



۲۰۱۳/۱۰/۰۲



حمید انوری

## بازی با خون شهیدان وطن خیانت ملی است!!! تشکر از سایت محترم استقلال



در کشور غرقه در خون ما که بیشتر از سی سال یا سه دهه است که خون هموطنان بی گناه و بی دفاع و مظلوم واقع شده ما بنام های گوناگون و به شیوه های مختلف ریخته شده و می شود هنوز، با خون بیشتر از دو میلیون شهید وطن همچنان بی باکانه و غیر مسؤلانه بازی می شود. لیست پنج هزار (۵۰۰۰) شهید بعد از سپری شدن سه دهه و آنهم از طرف پولیس و مقامات قضائی کشور هالند به نشر می رسد:

" این اسناد حاکی از آن است که پولیس هالند در سال ۲۰۱۰ تحقیقی را زیر نظر و رهبری یکی از خارتوالان لوی خارتوالی هالند درباره شخصی به نام «امان الله ع» آغاز کرد. این شخص به ارتکاب جنایات علیه بشریت در سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ در افغانستان متهم بود..."

اما، وا !!! اسفا !!!! دریغا !!! و دردا !!! که از طرف حکومت موجوده افغانستان، مقامات قضائی، لوی خارتوالی کشور، وزارت داخله، ولسی جرگه و مشرانو جرگه مملکت، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و رئیس جمهور کشور در دوازده سال گذشته نه تنها هیچ کاری در زمینه صورت نگرفت، بلکه در یک مقطع خاص همه جنایتکاران جنگی هفت ثوری و هشت ثوری دست به دست هم داده و فرمان عفو خود را زیر نام " مصالحه ملی"، صادر کردند و خون ده ها و صد ها هزار شهید گلگون کفن افغانستان را از کیسه خلیفه بر همدیگر بخشیدند و رئیس جمهور هم در پای آن سند ننگین، مهر صحنه گذاشت و خاموشانه از آن گذشت.

قرار گزارشات منتشره همین لیست پنج هزار نفری از قربانیان استبداد حزب دیموکراتیک خلق، چندین سال قبل در اختیار رئیس جمهور کشور قرار داده شده بود، اما جناب شان نظر به سیاست کجدار و مریزیکه پیشه نموده اند، آن گزارش و لیست را به فراموشی سپردند. چه خوش گفته اند: "سوار از دل پیاده نمی آید و سیر از دل گرسنه". آخر دلی را غم است، نه شهری را...

چه اتفاق افتاد که رئیس جمهور امروز در آخرین لحظات ریاست جمهوری خویش از خواب گران، خواب گران، خواب گران، برخاست، اما در حالت خلسه و خواب آلوده، چهار جنایتکار جنگی و شش فاسد بنگی را گرد خود جمع آورد تا در مورد جنایات هم طبقات شان شیرین زبانی کنند و عاقبت به ساختن یک بنای یادبود و یک مسجد اکتفا نمایند.

اقبال لاهوری چه خوش گفته است:

ای غنچه خوابیده، چو نرگس نگران خیز!  
کاشانه ما رفت به تاراج غمان خیز!  
از ناله مرغ سحر، از بانگ اذان خیز!  
از گرمی هنگامه آتش نَفسان خیز!

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز!

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

## از خواب گران خیز!

وا !!! چه برخواستنی!! گویا جناب رئیس جمهور از پشت کوه قاف آمده اند و نمی دانند که در آن زمان شوم و در ازمنه های بعد از آن بر این مرز و بوم چه ها رفت و بر مردمان آن چه ها گذشت!!! امروز اگر بعد از دوازده سال حکمرانی، جناب رئیس جمهور دستور نیمه افراشته شدن بیرق ملی کشور را برای دو روز میدهند، بدین معنی تواند بود که جناب شان با چندین درجن مشاور خود از این قضیه تازه اطلاع حاصل کرده اند و... بگذریم.

در طول زمامداری جناب کرزی کوچکترین اقدامی در جهت پیاده کردن یک عدالت انتقالی، ولو نیم بند هم، صورت نگرفت و اگر فعالیت هائی هم در زمینه از سوی منابع غیر حکومتی و سازمان های حقوق بشر صورت گرفت، جنایتکاران لمیده در ارگ به شدت عکس العمل نشان دادند و رئیس جمهور هم نظر به مصلحت بازی های پیدا و پنهان خود، بالای آن خاک پاشید.

آنچه در حکومت موجود به سردمداری کرزی و شرکا انجام داده شد، مراسم سوگواری برای چند جنگ سالار و ساختن مقبره های پر زرق و برق برای رهبران شان بود و نام گذاری چند چهار راهی و جاده و پوهنخی به نام نامی!!! آنها، و اما شهدای راه آزادی بصورت کامل به فراموشی سپرده شدند، حتی ما شاهد بوده ایم که هفته شهید و روز شهید یعنی چه و برای کی بوده است و کدام افراد و اشخاص و گروپ ها در چنین روز های فرمایشی به زور آزمائی و عربده کشی پرداخته اند و می پردازند و رئیس جمهور بر مقبره کدام افراد اکلیل گل گذاشته و میگذارند و...

یک نگاه گذرا بر بیانات گهربار رئیس جمهور در سالمرگ ربانی می اندازیم و می بینیم که رئیس جمهور در کجای کار قرار دارند:

{ کابل:- رئیس جمهور کرزی که در جریان تجلیل از دومین سالگرد کشته شدن استاد برهان الدین ربانی سخن می گفت؛ ثبات و حس دفاع از ارزش های ملی و دینی کشور را از آرمان های شهدای افغانستان برشمرد.

آقای کرزی گفت: " احساس نبودن استاد شدیداً احساس می شود. او صلح می خواست و افغانستان با ثبات را آرزو می کرد. ما باید ادامه دهنده راه استاد باشیم؛ زیرا او افغانستان را سربلند می خواست." }

نخست اینکه احساس، احساس نمی شود، بلکه احساس موجود است. شاید این یک غلط گزارشی باشد که زیاد مهم نیست، اما چرا رئیس جمهور به شهدای ملت که بیش از دو میلیون نفر تخمین زده میشود، هیچ اشاره نکرد؟ شهدا ای که خونهای پاک شانرا در پای نهال آزادی ریختند و در مقابل تجاوزگران روسی و نوکران زر خرید شان، سینه ها سپر کردند و سرها باختند و کوه و دشت و دمن کشور و شهر و روستا و آب و خاک مملکت را با خونهای پاک شان رنگین ساختند، " تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری!"

آیا جناب رئیس جمهور پنج سال زمامداری ربانی و شرکا را در کابل ای که خود آنرا به ویرانه مبدل کرده بودند و خون های پاک بیش از شصت و دو هزار (۶۲۰۰۰) از هموطنان ما را نامردانه و بی باکانه در همان کابل ویران شده ریختند، فراموش کرده اند که می فرمایند: " او صلح می خواست و افغانستان با ثبات را آرزو می کرد."، آیا دروغ شاخ دارد یا دم؟!

ربانی در تمام دوران زندگی سیاسی- نظامی خود در پی صلح و ثبات نبوده است. او با جنگ زاده شد، با جنگ رشد کرد و با جنگ به نان و نوائی رسید و اندر آن راه سر باخت و صلح طلبی فقط یک بهانه بود.

از مردم نخواهید که ادامه دهنده راه کسی باشند که هرگز در مورد سربلندی افغانستان نمی اندیشید.

{ او(کرزی)، شهدای افغانستان را گرانمایه و قهرمانان واقعی کشور نامید و عزت و افتخار کنونی افغانستان را

مرهون خون پاک شهدای کشور دانست. }

اما ای کاش رئیس جمهور میگفتند که در بیشتر از یک دهه ریاست جمهوری خود برای بزرگداشت از ( شهدای افغانستان، شهدای گرانمایه و قهرمانان واقعی کشور که عزت و افتخار کنونی افغانستان مرهون خون های پاک شان است)، چه اقداماتی نموده اند و در زمینه مجازات قاتلین شان چه کاری انجام داده اند و کدام خدمتی در راه حمایت و قدردانی از یتیمکان مظلوم شان و بیوه های سرگردان شان انجام داده اند و کدام بنای یاد بودی در کدام گوشه کشور آباد کرده اند.

{ رییس جمهور گفت: " یک آمار اعلام شده است. اما شهدای ما بسیار بسیار زیادتر از این آمار هاست. ما و شما و تمام مردم افغانستان در زندان پلچرخی شهید دادیم و این تنها مربوط به یک قوم نمی شد. رژیم کمونیستی وقت، تا توان داشت مردم ما را شهید کرد و تمام خانواده های ما، در راه آزادی وطن شهید دادند." }

بلی جناب رئیس جمهور! این آمار بسیار قبل اعلام شده بود و در اختیار شما قرار داده شده بود، اما تا امروز گوش شنوایی نیافت و امروز که آن آمار منتشر گردیده است، شما مجبور شدید تا از آن یادی کرده و در همین حد اکتفا کردید. شما سال هاست میدانید که ( **رژیم کمونیستی وقت، تا توان داشت مردم ما را شهید کرد**)، اما شما بلند رتبه گان آن رژیم خونریز و خائین به ملت و مملکت را وزیر و سفیر وکیل ساختید و کارشناس و مشاور و

آیا جناب شما لحظه هم به عدالت انتقالی که در نخستین سال های زمام داری تان برای مردم دردمند افغانستان وعده داده بودید، اندیشیده اید؟! ...

و عده ای که هرگز و هرگز جامعه عمل نپوشید و در یخ نوشته شد و در آفتاب گذاشته. **(کرزی تاکید کرد که مردم افغانستان شهدای خود را فراموش نخواهند کرد و همواره راه آنان را ادامه خواهند داد.)**

مردم افغانستان شهدای خود را هرگز و هرگز فراموش نمی کنند و نخواهند کرد، چه شما بگوئید و چه هم مانند همیشه نگوئید و خاموشی پیشه کنید و بر تاریخ سه دهه افغانستان خط بطلان بکشید. چگونه مردم خونهای پاک عزیزان و جگرگوشه های خود را فراموش کنند؟! ...

چه خوش گفته اند: **" زمین فقط در آن جایی می سوزد که زیرش آتش روشن است."** همان گونه که مردم هرگز و هرگز شهدای خود را فراموش نکرده و نمی کنند، قاتلین فرزندان و دلبندان خود را هم فراموش نمی کنند و تا عدالت در آن سرزمین اجرا نشود، امنیت هرگز بر نخواهد گشت. از جانب دیگر باز هم به خاطر داریم که در نخستین سال زمام داری سرسپردگان روس در افغانستان و در فردای آنروز ای که شاگرد وفادار، سر استاد توانای خود و سر " نابعه شرق" را زیر بالشت جنایت کرد، لیست دوازده هزار (۱۲۰۰۰) قربانی حزب دیموکراتیک را در دیوار های وزارت داخله به نمایش گذاشت.

آیا این پنج هزار شهید پاک افغانستان از جمله همان لیست دوازده هزار نفری اند، یا یک لیست جدا از آن؟! اگر این لیست پنج هزار نفری را جدا از آن لیست دوازده هزار نفری حساب کنیم، در آنصورت در ظرف کمتر از یک سال حکمروائی این جانین قرن، هفده هزار (۱۷۰۰۰) از هموطنان سر به کف ما در زندانها و پلیگون های مرکز و ولایات جام شهادت نوشیده اند. البته این تنها در حالیست که بی شمار قربانیان این جنایتکاران وحشی، هرگز به نام نویسی نرسیده اند و هیچ نام و نشانی از آنها باقی نیست.

اگر قبول کنیم همین لیست پنج هزار نفری، یک گوشه از آن لیست دوازده هزار نفری است، پس یک لیست هفت هزار شهید دیگر در همان زمان معین کمتر از یک سال، مفقودالاضر است.

اگر قبول کنیم که در نخستین سال حکمروائی حزب دیموکراتیک خلق که مقاومت مردم بصورت بسیار پراکنده موجود بوده است و رژیم فرصت نفس کشیدن داشته است، حفیظ الله امین، فرد شماره دوم رژیم که در حقیقت میتوان او را فرد شماره یک در آن زمان گفت، لیست دوازده هزار شهید را بیرون داد، یعنی در شرایط بسیار آرام و در عدم موجودیت مقاومت های مسلحانه، این جانین قرن بین دوازده تا هفده هزار هموطنان ما را از دم تیغ شقاوت شان کشیده اند و شاید هم بیشتر از آن، پس در سال های بعدی اوضاع چگونه بوده است؟! ...

در سال های بعدی و بعد از مرحله نوین کودتای خونین ثور، یعنی بعد از تجاوز وحشیانه ارتش متجاوز روس بر افغانستان، بدون هیچگونه چون و چرا ای، دامنه این کشتار ها و جنایات گسترده و گسترده تر شده است، پس در آن سال های نخستین کودتای ثور که جنایت و کشتار هموطنان ما در مراحل اولیه خود قرار داشته است و از عمر سازمان استخباراتی و جاسوسی رژیم هم کمتر از یک سال می گذشت، آن جنایتکاران تاریخ زده و وجدان باخته در حدود دوازده تا هفده هزار هموطنان بی گناه و بی دفاع ما را به شهادت رسانیده و از کشته های دستان خون آلود شان لیست ها هم تهیه کردند و ...

و اما و مگر! در سال های بعدی و تا سقوط حکومت دست نشانده روس در افغانستان، بخصوص بعد از تجاوز نظامی روس بر افغانستان، دامنه گیر و گرفت و زندان و شکنجه و اعدام های دسته جمعی در مرکز و ولایات و زنده بگور کردن ها و از طیارات نظامی روسی اسیران دست و پا بسته را به زیر پرتاب کردن ها و هزار و یک نوع جرم و جنایت و قتل و کشتار هموطنان آزاده و تسلیم ناپذیر ما، گسترده و گسترده تر گردید و این بگیر و ببند ها دیگر حد و مرزی نداشت و سردمداران رژیم کودتا را یک عادت شوم گرفته بود.

اگر از مبالغه و اغراق و غلو در مورد تعداد زندانیان در شکنجه گاه ها و ریاست های متعدد تحقیق و زندانهای مرکز و ولایات و ولسوالی های کشور، خودداری کنیم و حد وسط قربانیان استبداد را یک محاسبه تخمینی نمایم، میتوانیم از همان دوازده هزار شهید بی گور و کفن که لیست آنرا حفیظ الله امین بیرون داده بود، آغاز کنیم و حد اوسط کشته شده گان دستان خونبار و جنایت گستر رژیم کودتا را، نه دوازده هزار و نه هفده هزار در سال و نه هم قرار لیست منتشره پنج هزار نفری، پنج هزار در سال، بلکه بصورت تخمینی و با در نظر داشت حد اوسط آن، پنج هزار و پانصد (۵۵۰۰)

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

شهید در هر سال محاسبه کنیم، در طی سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲، یعنی در چهارده سال، هر سال پنج هزار وینجصد شهید، تنها و تنها در زندان ها و توقیف خانه های مرکز و ولایات، در مجموع این شرف باخته گان جنایت گستر، حدود **هفتاد و هفت هزار (۷۷۰۰۰)** نفر از هموطنان ما را تنها و تنها در زندان ها و توقیف خانه ها و شکنجه گاه ها و پلیگون ها از دم تیغ شقاوت شان کشیده و به شهادت رسانید اند که این تعداد شامل مردان، زنان و اطفال معصوم میشوند. به قسمتی از همین لیست پنج هزار نفری یک نگاهی میکنیم :

| نمبر  | اسم و ولد  | شغل              | محل سکونت         | جرم    |
|-------|--|------------------|-------------------|--------|
| ۲۱۲-  | ضیا الله ولد غلام داوود،   | مامور برق،       | مسکونه کابل،      | مجددی. |
| ۲۱۳-  | رفیع الله ولد غلام داوود،  | ؟                | مسکونه غزنی،      | مجددی. |
| ۲۱۴-  | غلام داوود ولد صوفی آقا مجددی،   | ؟                | مسکونه غزنی،      | مجددی. |
| ۲۱۵-  | محمد انور ولد عبيدالله،  | ؟                | مسکونه هرات،      | مجددی. |
| ۲۱۶-  | فضل حق ولد عبدالواب،   | زمیندار،         | مسکونه هرات،      | مجددی. |
| ۲۱۷-  | علی محمد ولد بهار الدین،   | دکاندار،         | مسکونه هرات،      | مجددی. |
| ۲۱۸-  | عصمت الله ولد هدایت الله،  | ؟                | مسکونه کوهستان،   | مجددی. |
| ۲۱۹-  | علی احمد ولد گدا احمد،   | مامور متقاعد،    | مسکونه سرای غزنی، | مجددی. |
| ۲۲۰-  | فیض احمد ولد محمد هاشم،  | زمیندار،         | مسکونه کاپیسا،    | مجددی. |
| ۲۲۱-  | عبدالجبار ولد عبدالواحد،   | معلم،            | مسکونه نجراب،     | مجددی. |
| ۲۲۲-  | احمد ضیا ولد احمد سعید،  | فارغ صنف دوازده، | مسکونه هرات،      | مجددی. |
| ۴۴۵۴- | عظیم <b>مجددی</b> ولد محمد یوسف مسکونه شهرنو - استادپوهنخی طب          |                  |                   |        |
| ۴۴۶۶- | علی احمد <b>مجددی</b> ولد گدای احمد مسکونه کابل                        |                  |                   |        |
| ۴۴۶۹- | محمد احسان <b>مجددی</b> ولد محمد کبیر مسکونه کابل فارغ لیسه حبیبیه     |                  |                   |        |
| ۴۴۷۲- | ضیا احمد <b>مجددی</b> ولد محمد ابراهیم مسکونه کابل                     |                  |                   |        |
| ۴۴۷۳- | وارث خان ولد محمد خان، مسکونه کابل، <b>مزدور حضرتها</b>                |                  |                   |        |
| ۴۴۷۴- | محمدزاده ولد خیرگل، مسکونه کابل، <b>مزدور حضرتها</b>                   |                  |                   |        |
| ۴۴۷۵- | غلام جیلانی ولد سیدو، مسکونه کابل، <b>ملا امام منزل حضرتها</b>         |                  |                   |        |
| ۴۴۷۶- | آقا جان ولد محمد عیسی، مسکونه کابل، <b>خلیفه حضرتها</b>                |                  |                   |        |
| ۴۴۸۵- | عبدالباقی <b>مجددی</b> ولد عبدالکریم، مسکونه ناحیه ۵ هرات، زارع        |                  |                   |        |
| ۴۴۸۶- | عبدالصمد <b>مجددی</b> ولد عبدالکریم، مسکونه ناحیه ۵ هرات، زارع         |                  |                   |        |
| ۴۴۸۷- | انورجان <b>مجددی</b> ولد عبدالوهاب، مسکونه ناحیه ۵ هرات، زارع          |                  |                   |        |
| ۴۵۲۲- | غلامداد مشهور به باباجان <b>مجددی</b> ولد آقاجان مجددی، مسکونه غزنی    |                  |                   |        |
| ۴۵۳۳- | ضیاءالله <b>مجددی</b> ولد محمدغلامداد، مسکونه دهبوری، مامور وزارت معدن |                  |                   |        |
| ۴۵۳۴- | رفیع الله <b>مجددی</b> ولد غلام داوود، معلم، مسکونه دهبوری             |                  |                   |        |

در لست فوق از یک خانواده، ۲۵ نفر دستگیر و به شهادت رسیده اند، این در حالیست که نظر به معلوماتی که از خانواده محترم مجددی بدست آمده است، در آن گیر و گرفت ها و بگیر و ببند ها، بیشتر از یکصد و شصت و پنج (۱۶۵) نفر از اعضای آن خانواده را که شامل مردان، زنان و اطفال می شدند، دستگیر نموده و روانه زندان ساختند که البته بعد از مدتی زنان و کودکان دوباره رها شدند، اما مردان و جوانان خانواده که تعداد شان به (۱۶۵) نفر میرسید، هرگز برنگشتند. (روان آن رفته گان با تمامی شهدای راه آزادی شاد باد!) و اما آنچه در همین لیست بالا قابل دقت است و نباید ناگفته گذاشت، این است که در بالای لیست ها بصورت منظم **نمبر، اسم و ولد، شغل، محل سکونت و جرم**، مشخص شده است و بعد ها که گیر و گرفت ها حد و مرز را درنور دیده و حساب و کتاب آن بصورت منظم دیگر مقدر نبوده و فرصت کافی برای جنایت گستران حزب

د پانو شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

باقی نمانده است، این اصل دیگر مراعات نشده است و این خود میرساند که مستنطقین، شکنجه گران و اعدام چیان رژیم کودتا در ریختن خون فرزندان صدیق این خطه آزادگان به اندازه ای مصروف و مشغول بوده اند که حتی فرصت سر خاریدن هم نداشته اند و دیگر قادر نگردیده اند آن مشخصات را به همان گونه انجام دهند.

یک نکته دیگر هم نباید ناگفته بماند و آن اینکه در همین لیست بالا زیر کتگوری (جرم) که از نگاه جانین بی همه چیز، به بخش های مختلفی چون: ( اخوانی- اشرار- ضد انقلاب- مائوئیست- افغان ملتی- سکتاریست، خمینی- توطئه و... ) ، تقسیم بندی شده است، از نظر این جانین شرف باخته همه جرم بوده است، الا خلقی و پرچی بودن، اما جرم ( ۱۶۵ ) نفر قربانیان خانواده مجددی، صرف همین بوده است که از خانواده مجددی بوده اند و این از نظر سردمداران رژیم کودتا چنان جرم بزرگ و نا بخشودنی محسوب می شده است که حتی دو نفر مزدور حضرت ها و ملا امام منزل حضرت ها و خلیفه حضرت ها هم باید به همین جرم مزدور بودن و ملا امام بودن و خلیفه بودن حضرت ها ، جان های شیرین خود را از دست می دادند.

البته در کتاب " د خلق - پرچم د جنایاتو ژوندی اسناد" ، به قلم هموطن محترم " میرویس وردک" ، که در سال ۲۰۰۶ میلادی از یک کتابفروشی پشاور دو جلد آنرا خریداری نموده و به خانواده شهدای گم شده تحفه دادم، لیستی که از شهدای خانواده محترم مجددی در آن درج بود، بیشتر از ۲۵ نفر شهیدی بود که در لیست بالا آمده است که نمی دانم چگونه از این لیست های پنج هزار نفری افتاده است.

اینکه صیغت الله خان مجددی برای چهار روز قدرت و دو روز ریاست جمهوری نه تنها خون بیش از دومیلیون شهید پاک وطن را از کیسه خلیفه بخشید و خلاف فرموده حضرت باری تعالی که حق العبد را حتی خداوند هم نمی تواند ببخشد، عمل کرد، بلکه خون های پاک بیش از یکصد و شصت و پنج (۱۶۵) نفر شهید خانواده مجددی را نیز به مؤتلفین و دوستان خلقی- پرچی خود تحفه گویا تقدیم کرد و در مدت دوازده سال گذشته حتی به خود زحمت نداد تا یک مراسم دعا و فاتحه خشک و خالی هم برای آن شهدا برگزار کند. از ایشان بیش از این هم نمی توان توقع داشت، آخر جناب شان فامیل خود را از افغانستان بیرون کرده بودند و موئی هم از سر یکی از آنها کم نشده بود. واقعاً دلی را غم است، نه شهری را.

حال که خود مریض و سالخورده و ناتوان شده اند، فرزند دلیند خود را وارد بازار مکار سیاست نموده و خواستار مقام معاونیت اول ریاست جمهوری برای او است. بگذریم...

در یک قسمت گزارش (سپورمی رادیو) مؤرخه ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۳ تحت عنوان " دپنخو زرو افغان کورنیو تازه شوی غم او دانقتالی عدالت جدي اړتیا " ، اندرین زمینه آمده است:

"...، د خلیانو د حکومت جنرال شهنواز تنی سرنوشت ورخپانی ته وویل، دوژل شوو کسانو کوم لیست چي خپور شوی دا هغه کسان دي چي دوخت له قانونی او مشروع نظام څخه یې بغاوت کړی و او د حکومت دنده ده چي له خپلو ملي گټو دفاع وکړي..."

این همان شهنواز تنی است که باری غلام زرخرید متجاوزین روس بود و در خدمت به اشغالگران روسی به درجه جنرالی و وزارت دفاع رژیم کودتا رسید و بعداً علیه رژیم نجیب دست به کودتا زد و صد ها همکار نظامی خود را به کشتن داد و خودش فرار کرد و به گلبدین حکمتیار پیوست. این همان شهنواز تنی است که باری در رژیم امریکائی کنونی خواب ریاست جمهوری هم می دید.

او با دیده درائی ذاتی خود رژیم کودتا را " د وخت قانونی او مشروع نظام" ، میخواند و قافله میکند و قوله می کشد که پنج هزار شهید کشته دستان خونبار رفقای حزبی اش در مقابل یک نظام قانونی؟؟!! و مشروع؟؟!!، بغاوت کرده بودند و وظیفه حکومت بود که آنان را به کشتارگاه ها روانه کرده و خون های پاک شانرا بریزاند. این گونه افراد تاریخ زده و خدا شرمانده و مردم رانده را باید به پای میز محکمه ملت کشانید و بازماندگان شهدا همه باهم باید بر چهره های منحوس شان تف ببینازند.

این افراد را به شمول اسدالله سروری، شهنواز تنی، سید محمد گلاب زوی، حنیف اتمر، کبیر رنجبر و...، باید با دست ها و پا هایی در غل و زنجیر به تمام گور های دسته جمعی کشف شده در مرکز و ولایات کشور برد که از شهدای ملت معذرت بخواهند و کور های دسته جمعی دیگری را که هنوز سر از خاک بدر نکرده اند، به بازماندگان شهدا نشان دهند.

## خون نا حق دست از دامان قاتل برداشت دیده باشی لکه های دامن قصاب را

د پایو شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

یکی از دوستان میگفت نام عبدالرسول سیاف هم در همین لیست موجود است، اما او زنده است. ( فراموش نکنیم که سیاف پسر خاله حفیظ الله امین است.) و نیز هموطنی در جایی نوشته بود که در لیست متذکره نام عده از کادر های خلقی ذکر شده که یک تعداد شان هنوز هم حیات دارند و... خدمت آن دوست و این هموطن عرض شود اینکه:

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند  
لاغر صفتان زشت خو را نکشند  
گر عاشق صادقی زکشتن مگریز  
مردار بود، هر آنکه او را نکشند

شاید این لیست بصورت دقیق حاوی پنج هزار نفر نباشد و شاید در بسا قسمت ها یک تعداد نام ها به تکرار آمده باشد و نیز امکان دارد تعدادی محدودی از این افراد که در لیست شهدا اسماً شان ذکر شده است، هنوز زنده باشند و بسا شاید و باید و اما و مگر دیگر، اما در کل، هرگز زره از بارگران جنایات این شرف باختگان دیده در ا و جنایت گستر را کم نمی کند و در ماهیت جنایت تغییری وارد نمی کند. این لیست فقط مُشت نمونه خروار و زره ای از بسیار و قطره از ابحار جنایات این جانان تاریخ زده قرن است. هموطنان شهید داده ما در داخل و خارج از کشور به شدت در لابلای این لیست عریض و طویل که شمه از جنایات بی حد و حصر رژیم کودتا را به نمایش گذاشته است، در جستجوی نام های عزیزان از دست رفته خویش اند و مراسم فاتحه و دعا بر پا کرده اند و در انتظار اجرای عدالت اند.

### ما محل دفن شهدای خود را میخواهیم"

{ کابل (پژواک، ۳میزان ۹۲): وارثین شهدای افغانستان، از دولت خواستار دریافت محل دفن قربانیان زمان رژیم کمونیستی و نصب پنجهزار تخته سنگ با تصویر قربانیان، در کاخ ریاست جمهوری و یا در زندان پلچرخی شدند. }

هموطنان شریف و شهید داده ما در داخل افغانستان باید همه دست به دست هم دهند و مقامات مسؤول کنونی را وادار بسازند تا در همکاری با پولیس بین المللی، سید محمد گلاب زوی و حنیف اتمر و نبی عظیمی و ... را از داخل کشور و دستگیر پنجشیری و سلیمان لایق و عبدالقدوس غوربندی و عوض نبی زاده و... را از خارج کشور دست و پا بسته به محکمه هاگ یا نورنبرگ تحویل دهند و نشان گور های دسته جمعی هنوز کشف نشده را در اختیار خانواده شهدا بگذارند.

از نظر این کمترین نصب پنجهزار تخته سنگ با تصویر قربانیان در هر نقطه کشور که باشد، مقدور خواهد بود، چه قربانیان رژیم کودتا به همین پنج هزار نفر خلاصه نمی شود و قرار اینکه عرض شد، قربانیان استبداد حزب دیموکراتیک تنها و تنها و فقط و فقط در زندان ها و شکنجه گاه ها و ریاست های مختلف تحقیق و پلیگون های رژیم بصورت اوسط طی چهارده سال به بیش از هفتاد و هفت هزار نفر میرسد.

اما حکومت کنونی در همین چند ماهی که از عمرش باقیست، لااقل یک کار خیر انجام دهد و درست در مرکز شهر، یعنی در قلب کابل و نه در پلچرخی، یک بنای یاد بود بنام شهدای راه آزادی و عدالت آباد کند و در آن بنای یاد بود نام های مبارک شهدا را با مشخصات و تاریخ شهادت شان حک کند و یک یا دو جهت آن بنای یاد بود را سفید بگذارند تا در آینده خانواده های شهدای بی گور و کفن افغانستان، مشخصات شهدای خود را با تاریخ دستگیری و یا مفقود شدن شان در اختیار مقامات مسؤول قرار دهند تا به مرور زمان درج آن صفحات سپید گردد.

و اما در ختم این مختصر باید تذکر دهم که برای من حقیر فقیر سراپا تقصیر، یک مطلب در تصمیم ریاست جمهوری و رهبران جهادی و ...، تاریک و پوشیده مانده است و آن اینکه چرا تاریخ فاتحه خوانی و عزای ملی و نیمه افراشتن بیرق ملی کشور را به روز **هشتم میزان** انتخاب نموده اند؟! مقامات مسؤول در قصر ریاست جمهوری و سخنگویان متعدد رئیس جمهور و یا معاونان سخنگویان باید در این

قسمت برای مردم روشنی می انداختند که چه خصوصیتی در روز **هشتم میزان**، نهفته است!!! آیا کدام قوماندان جهادی و یا وابستگان رهبران شان در چنین روزی کشته نشده اند؟؟!!

د پانوی شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

چرا مقامات یکی از روز هائی را جهت عزای ملی انتخاب نکردند که در همان سال کشتار و یا سال های بعد، هموطنان آزاده و در دربند کشیده شده ما، بصورت گروپ های بیست یا سی نفری و یا بیشتر از زندان مخوف پلچرخ کشیده شده و در پلیگون های عقب زندان، سلاخی شدند؟! جواب ساده است! رئیس جمهور اندرین مورد بجای مشوره با خانواده قربانیان، با قومندانان و رهبران جهادی و دو سه رسوای دیگر به مشوره نشستند، افرادی که حتی یک نفر از عزیزان خود را در آن فاجعه قرن از دست نداده اند و از آنچه در داخل زندان ها و کشتار گاه ها و پلیگون های بیشمار اتفاق افتاده است، کاملاً بی اطلاع هستند.

و اما منی خسته دل، فارغ از هر نوع سلیقه قومی و قبیله‌ای و حزبی و تنظیمی و سازمانی و...، با خواندن لیست قربانیان هموطن خود، قطره قطره فرو ریختم و زره زره آب شدم و دریا دریا گریستم و میدانم وضع هر هموطن آزاده دیگر من هم چنین بود است و چنین خواهد بود.

بیانید دستان توانای خود را به همدیگر دهیم و دست به دست و باهم در اجراء و برقراری عدالت در کشور مشترک و محبوب خود تلاش کنیم و در یکی دو روز عزای عمومی فرمایشی دولت و ساختن یک مسجد و یک مینار کوچک در یک گوشه دور افتاده پایتخت بسنده نکرده و یاد عزیزان از دست رفته خویش و فرزندان جانبخته و صدیق کشور را همیشه گرامی داریم و نگذاریم این فرزندان رشید میهن و این قربانیان استبداد به فراموشی سپرده شوند!!!

**گور خونین شهیدان به تو آواز دهد  
آتشی را که فروزان شده خاموش مکن**

---

د پانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ